

دکتر تییریوس راتا، الهیات عهد عتیق، جلسه ششم، خدا به عنوان پادشاه

تییریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر تییریوس راتا هستم در تدریس الهیات عهد عتیق. این جلسه ششم، خدا به عنوان پادشاه است.

سلام به همه. امروز قرار است در مورد خدا به عنوان پادشاه صحبت کنیم. بنابراین، خدا خود را به عنوان خالق آشکار می‌کند. او خود را به عنوان خدای عهد و پیمان‌دهنده و خدای حافظ عهد آشکار می‌کند. او خود را به عنوان نجات‌دهنده قوم خود آشکار می‌کند.

او خود را به عنوان یک قانونگذار آشکار می‌کند. اما او همچنین خود را به عنوان یک پادشاه آشکار می‌کند. کلمه پادشاه یا ملک در زبان عبری برای تفکر سامی بسیار اساسی است.

همه اقوام سامی خدایان خود را پادشاه می‌دانستند. بنابراین گاهی اوقات، اینجاست که این ایده به ذهنمان خطور می‌کند که پادشاه، خدا و خدا، پادشاه است. بنابراین، آنها نیز مانند سایر گروه‌های قومی در خاور نزدیک باستان، همین تصور را داشتند.

اما وقتی از یهوه به عنوان پادشاه صحبت می‌کنیم، قضیه فرق می‌کند. این اصطلاح چیزی بیش از صرفاً رئیس یک دولت سلطنتی را نشان می‌دهد. می‌تواند به معنای یک شاهزاده یا یک رهبر باشد.

اما وقتی در مورد عهد عتیق صحبت می‌کنیم، اصطلاح پادشاه ۴۲ بار در عهد عتیق برای یهوه به کار رفته است. و باز هم، این یک مفهوم بسیار مهم است. پادشاهی یهوه به اعمال حاکمیتی او به نمایندگی از قومش در تمام دوران مربوط می‌شود.

و ما قبلاً در مورد این صحبت کردیم که قرار بود اسرائیل یک حکومت دینی باشد. مردم توسط تئوس، توسط خدا، اداره می‌شدند. بعداً، بدیهی است که آنها به یک سلطنت تبدیل شدند.

در فرمول عهد، من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود. این نه تنها به این اشاره دارد که خدا می‌خواهد خدایی باشد که عهد می‌بندد و به عهد خود وفا می‌کند، بلکه خدا را به عنوان پادشاه نیز به تصویر می‌کشد. زیرا ما در مورد عهد و پیمان‌ها به عنوان معاهدات اربابی صحبت کردیم.

خب، وقتی خدا عهدی می‌بندد، آن را از دیدگاه یک حاکم مطلق می‌پذیرد. بنابراین او فقط خدای عهدکننده نیست؛ او در واقع پادشاه است. و این موضوع در کتاب پیدایش نیز آمده است.

بنابراین، پادشاهی یهوه به گذشته، حال و آینده مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی نبوده که یهوه پادشاه نبوده باشد. این بسیار مهم است زیرا برخی معتقدند که این ایده پادشاه بودن خدا از ملت‌های دیگر کپی شده است که در جشن‌ها بر تخت می‌نشستند و پادشاهان خود را به عنوان خدا بر تخت می‌نشاندند.

و آنها می‌گویند، خب، اسرائیل هم همین کار را کرد؛ آنها از ملت‌های دیگر کپی برداری کردند. اما این چیزی نیست که کتاب مقدس می‌گوید. هیچ زمانی نبوده که یهوه پادشاه نبوده باشد.

، و کتاب مزامیر در این مورد واضح است. اما در واقع ما آن را اولین بار در کتاب خروج، پس از واقعه خروج داریم. واقعه خروج در فصل ۱۴ اتفاق می‌افتد، اما سپس در سرود موسی، او شروع می‌کند، من برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا او با شکوه پیروز شده است.

اسب و سوارش را به دریا انداخت. خداوند قدرت و سرود من است و او نجات من شده است. این خدای من است و من او را، خدای پدرم را، ستایش خواهم کرد و او را ستایش خواهم نمود.

خداوند مرد سخنور است و خداوند نام اوست. و سپس آیه ۱۸، خداوند تا ابد سلطنت خواهد کرد. بنابراین، پادشاهی یهوه دوباره آغاز یا پایانی ندارد.

مزمورنویس نقل می‌کند که در مزمور ۹۷، خداوند تا ابد سلطنت می‌کند؛ او تخت خود را برای داوری برپا داشته است. ۱۰۱:۶، خداوند تا ابد پادشاه است و ملت‌ها از سرزمین او هلاک خواهند شد. مزمور ۹۳، خداوند سلطنت می‌کند، او جامه جلال بر تن دارد.

مزمور ۹۶ می‌گوید که در میان ملت‌ها، خداوند سلطنت می‌کند. مزمور ۹۷ می‌گوید که خداوند سلطنت می‌کند، بگذار زمین شاد باشد، بگذار سواحل دوردست به وجد آیند. خداوند سلطنت می‌کند، بگذار ملت‌ها بلرزند، او بر میان کروبیان جلوس کرده است، بگذار زمین بلرزد.

این نقش برجسته‌ای از لاکیش است. ما سناخریب را بر تخت خود می‌بینیم. او توسط ۱۲ مرد پشتیبانی می‌شود و زیرپایی دارد که پاهایش را روی آن قرار می‌دهد.

این ایده همچنین در مزامیر نیز آمده است، جایی که یک پادشاه زیرپایی برای خود دارد. مزمور ۱۴۶، ۱۰، خداوند تا ابد سلطنت می‌کند. اول تواریخ ۱۶، خداوند سلطنت می‌کند.

حتی در انبیا، ما زکریا ۴۹ را می‌بینیم و می‌بینیم که خداوند بر تمام زمین پادشاه خواهد بود. بدیهی است که این یک متن آخرالزمانی است که در مورد آمدن دوم مسیح صحبت می‌کند. در آن روز، یک خداوند وجود خواهد داشت و نام او تنها نام است.

بنابراین، این یک ایده بسیار واضح در عهد عتیق در مورد پادشاه بودن خدا است. اما سوال امروز این است که چگونه این موضوع به پادشاهی خدا مربوط می‌شود؟ خب، اگر پادشاهی وجود دارد، به این معنی است که پادشاهی وجود دارد. و اگر پادشاهی وجود دارد، پادشاهی نیز وجود دارد.

پادشاهی خدا مرز ندارد. همانطور که او به عنوان پادشاه آغاز و پایانی ندارد، هیچ مرزی برای این پادشاهی وجود ندارد. به عبارت دیگر، این پادشاهی جهانی است.

وقتی درباره پادشاهی خدا صحبت می‌کنیم، درک این موضوع بسیار مهم است، زیرا وقتی پادشاهی خدا را درک می‌کنیم، بیشتر درباره پادشاه بودن خدا می‌فهمیم. به عبارت دیگر، پادشاهی خدا قطعاً با چیزی بیش از فقط ملت اسرائیل روبرو می‌شود. به یاد داشته باشید، با وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد، خدا ابراهیم را برکت می‌داد، اما از طریق ابراهیم، همه خانواده‌های زمین از طریق ابراهیم برکت خواهند یافت.

این نقشه خدا از ابتدا بود. و در انبیا، همین ایده را می‌بینیم. باز هم، اشعیا، در مورد آخرالزمان صحبت می‌کند، به وضوح می‌گوید که پادشاهی خدا نه تنها شامل ملت اسرائیل، بلکه شامل تمام خانواده‌های زمین خواهد شد.

به همین دلیل است که او می‌گوید ارمیا نیز همین را می‌گوید. پادشاهی خدا جهانی است. در آن زمان، اورشلیم را تخت خداوند خواهند نامید و همه ملت‌ها در اورشلیم جمع می‌شوند تا نام خداوند را گرامی بدارند.

دیگر از سرسختی دل‌های شیر خود پیروی نخواهند کرد. زکریا ۸، دوباره، پیامبر پس از تبعید. این همان چیزی است که خداوند متعال می‌گوید: بنابراین پادشاهی خدا جهانی است و شامل همه قبایل زمین می‌شود.

عدالت پادشاهی خدا بیانگر این واقعیت است که خداوند قوم خود را پاک خواهد کرد تا عدالت آنها ویژگی آنها باشد. گاهی اوقات، ما به کلیسا می‌رویم و آن سرود را می‌خوانیم، همانطور که هستی بیا، و گاهی اوقات دوباره، از آن برای توجیه وضعیت خود استفاده می‌کنیم. اما بله، همانطور که هستی بیا، اما وقتی به سوی خدا می‌آیی، او تو را تغییر خواهد داد.

او شما را دگرگون خواهد کرد. و به همین ترتیب، وقتی وارد پادشاهی خدا می‌شوید، او شما را تغییر می‌دهد. او شما را از پادشاهی تاریکی بیرون می‌آورد و به پادشاهی پسرش می‌برد.

و این تغییر می‌کند زیرا خداوند قوم خود را پاک می‌کند، بنابراین پارسایی آنها ویژگی کلیدی آنها خواهد بود. اشعیا ۱، و تمام ناخالصی‌های شما را پاک خواهیم کرد. من داوران شما را در ایام قدیم و مشاوران شما را در آغاز باز خواهیم گرداند.

پس از آن، تو شهر پارسایی، شهر ایمان نامیده خواهی شد. بنابراین، خدا می‌تواند شهری فاسد را بگیرد و آن را به شهری پارسایی تبدیل کند. او از طریق ارمیا همین را می‌گوید.

در روزگار او، یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل در امنیت زندگی خواهد کرد. و این نامی است که تو بدان نامیده خواهی شد: خداوند، عدالت ماست.

ما وقتی در مورد عهد جدید صحبت می‌کردیم، در مورد این موضوع صحبت کردیم. عهد جدید چگونه می‌تواند در قلب ما باشد؟ خدا چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ این از طریق روح است. و در حزقیال آمده است که من آب پاک را بر شما خواهم پاشید و شما پاک خواهید شد.

شما را از تمام ناپاکی‌ها و از تمام بت‌هایتان پاک خواهیم کرد. دلی تازه به شما خواهم داد و روحی تازه در شما خواهم نهاد. دل سنگی را از شما دور کرده، دلی گوشتی به شما خواهم داد.

ببینید، چیزی که الان با ما فرق دارد این است که ما با پسران و دختران خدا بودن، بخشی از پادشاهی او هستیم. اما چیزی که او در این بین به ما می‌دهد، روح القدس خود را به ما می‌دهد. ویژگی اصلی روح القدس چیست؟ اینکه او مقدس است.

بنابراین، وقتی وارد پادشاهی می‌شوید، او شما را مقدس می‌کند. ما این فرآیند را که تقدیس نام دارد، آغاز می‌کنیم. فرآیندی بسیار بسیار مهم.

این یک معامله‌ی یک‌باره نیست، بلکه یک فرآیند طولانی است. و این یکی از ویژگی‌های کلیدی پادشاهی خداست. نه تنها این، بلکه جهانی است، برای همه مردم است و در دسترس همه مردم است.

اما آن پارسایی ویژگی اصلی آن است. کتاب مقدس همچنین در مورد این واقعیت صحبت می‌کند که پادشاهی خدا با صلح مشخص می‌شود. صلح گاهی اوقات به عنوان فقدان جنگ توصیف می‌شود.

و باز هم، اشعیا درباره یک زمان آخرالزمانی صحبت می‌کند. باز هم، زمان آخر زمانی است که شمشیرهایشان به گاو آهن و نیزه‌هایشان به قلاب‌های هرس تبدیل خواهد شد. ملتی علیه ملتی شمشیر نخواهد کشید و دیگر برای جنگ آموزش نخواهد دید.

خب، بدیهی است که ما هرگز در تاریخ خود دوران صلح نداشته‌ایم. بنابراین، این هنوز محقق نشده است. این اتفاق حوالی ظهور دوم مسیح رخ خواهد داد.

در واقع، اشعیا درباره صلح در قلمرو حیوانات صحبت می‌کند. که باز هم، این خود یک معجزه است. گرگ با بره زندگی خواهد کرد و پلنگ با بز خواهد خوابید.

گوساله، شیر، بچه یک ساله و یک کودک خردسال آنها را هدایت خواهند کرد. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌هایش با هم خواهند خوابید و شیر مانند گاو گاه خواهد خورد. خب، بدیهی است که این هنوز محقق نشده است.

بنابراین، دوباره، این انتظار می‌رود که در حوالی ظهور دوم مسیح محقق شود. بازگشتی به عصر بهشت مانند وجود دارد. همانطور که هوشع می‌نویسد، در آن روز، کوه‌ها شراب تازه خواهند چکید و تپه‌ها با شیر جاری خواهند شد.

تمام کلاغ‌های یهودا آب خواهند دوید. چشمه ای از خانه خداوند جاری خواهد شد و دره افاقیا را سیراب خواهد کرد. اما باید از خود پرسیم اگر خدا پادشاه است، مسیح چه نقشی ایفا می‌کند؟ مووینکل، محقق اسکاندیناویایی، می‌گوید مسیح نماینده یهوه در پادشاهی اوست که یهوه در آن حضور دارد و از طریق او عمل می‌کند.

حال، گاهی اوقات، این مسیح لزوماً به عیسی اشاره ندارد، بلکه به یک فرد مسح شده، مثلاً پادشاه داوود اشاره دارد. اما وقتی به بخش عهد جدید این موضوع می‌پردازیم، که به آن نیاز داریم، اگر به خدا به عنوان پادشاه نگاه کنیم، باید ببینیم که پادشاهی خدا نیز در زمان حال است. وقتی عیسی بیاید، وقتی مسیح بیاید اعلام می‌کند و می‌گوید، زمان فرا رسیده است؛ توبه کنید؛ پادشاهی خدا نزدیک است.

توبه کنید و به مژده ایمان بیاورید. بنابراین، پادشاهی خدا بخش بسیار مهمی از رسالت عیسی بود، و او سعی داشت به آنها نشان دهد که پادشاه است. حال، آنها این را نفهمیدند، و حتی در زمان مصلوب شدن، سعی کردند او را مسخره کنند، تا بر روی صلیب قرار دهند، این پادشاه یهودیان است.

اما در واقع، کاری که آنها انجام می‌دادند، این بود که دقیقاً حقیقت را اعلام می‌کردند، اینکه او پادشاه یهودیان بود. یوحنا در صحبت از جهانی بودن، به ما می‌گوید که کتیبه به زبان‌های عبری، یونانی و لاتین بوده است. عیسی پادشاه بود و او از همان ابتدا این را اعلام کرد.

اما پادشاهی خدا با آنچه مردم فکر می‌کردند متفاوت است. باز هم، پادشاه متفاوت بود. به یاد داشته باشید که بنی اسرائیل یا یهودیان چه فکری می‌کردند، بسیار خوب، ما اینجا یک فرمانده کل قوا خواهیم داشت که قرار است رومیان را شکست دهد، و او قرار است با آنها بجنگد، و ما آزاد خواهیم شد.

و عیسی می‌آید و می‌گوید، نه، من آن نوع پادشاهی نیستم. پرسش یحیی از زندان را به خاطر بیاورید، آیا تو همان هستی؟ و عیسی اینگونه پاسخ می‌دهد: نابینایان بینایی خود را به دست می‌آورند، لنگان راه می‌روند، جذامیان شفا می‌یابند، ناشنویان شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌شوند و مژده به فقرا موعظه می‌شود، خوشا

به حال کسی که به خاطر من سقوط نکند. حال، گاهی اوقات نشانه‌های پادشاهی خدا را در ظاهر می‌بینیم، اما گاهی اوقات نشانه‌های پادشاهی خدا را به عنوان یک پدیده درونی می‌بینیم.

در لوقا ۱۷، وقتی فریسیان از عیسی پرسیدند که پادشاهی خدا چه زمانی خواهد آمد، او پاسخ داد: پادشاهی خدا با مشاهده دقیق شما نمی‌آید. مردم هم نمی‌گویند اینجا یا آنجاست، زیرا پادشاهی خدا در درون شماست. بنابراین، باز هم، برخی از مردم انتظار دارند چیزهایی، چیزهای بزرگ، ببینند، اما بسیاری از اوقات پادشاهی خدا، خدا، در قلب‌های ما کار می‌کند و به همین دلیل است که شما نمی‌توانید این را محاسبه کنید.

اما عنصری از آینده پادشاهی خدا نیز وجود دارد. حتی در دعای ربانی، عیسی به ما یاد می‌دهد که چگونه دعا کنیم. او می‌گوید، ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، پادشاهی تو بیاید، تو همانطور که در آسمان هستی، بر زمین نیز خواهی بود.

خب، آیا پادشاهی خدا اینجاست یا نه؟ خب، طبق گفته عیسی، اینجاست، اما هنوز نه. بنابراین، شما این مفهوم «از قبل/نه-هنوز» را دارید که در آخرالزمان توسعه یافته است. بله، وقتی عیسی به وضوح می‌گوید پادشاهی خدا در درون شماست، از قبل آنجاست، اما عنصری از پادشاهی وجود دارد که هنوز اینجا نیست.

به همین دلیل است که عیسی به ما یاد می‌دهد چگونه دعا کنیم، پادشاهی تو بیاید. بعضی از مردم دوست دارند دعا کنند؛ چیزی که در انتهای کتاب مکاشفه آمده است، آمدن به سوی خداوند عیسی. خب، این چیزی است که آنها برای آن دعا می‌کنند.

آنها دعا می‌کنند که پادشاهی خدا در اینجا محقق شود. عیسی درباره ضیافتی صحبت می‌کند که در پادشاهی خدا اتفاق خواهد افتاد. و باز هم، در کتاب مکاشفه، واضح است که شما ضیافت ازدواج بره را دارید.

بنابراین، یک مهمانی بزرگ آنجا برپاست. اما وقتی عیسی درباره پادشاهی صحبت می‌کند، گاهی اوقات درباره این جشن نیز صحبت می‌کند. به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در پادشاهی آسمان، در کنار ابراهیم، اسحاق و یعقوب در جشن خواهند نشست.

اما تابعین پادشاهی به تاریکی بیرون رانده خواهند شد، جایی که گریه و دندان قروچه خواهد بود. بنابراین همانطور که در کتاب مکاشفه نیز می‌بینیم، باز هم عنصری از جشن و سرور وجود دارد. اما این یک پادشاهی جهانی نیست، به این معنا که این جهانی‌گرایی نیست، جایی که همه نجات خواهند یافت.

نه، نه. این یک نشانه واضح است که برخی با مسیح به زندگی ابدی خواهند رفت و برخی جدا از مسیح به زندگی ابدی خواهند رفت. تابعین پادشاهی به تاریکی بیرون رانده خواهند شد، جایی که گریه و دندان قروچه وجود خواهد داشت، که عبارتی است که عیسی هنگام صحبت در مورد جهنم به کار برد.

پس چگونه می‌توان وارد پادشاهی خدا شد؟ خب، آنطور که آنها فکر می‌کردند نیست. هر کسی که به من بگوید، «خداوند، خداوند»، وارد پادشاهی آسمان نمی‌شود، بلکه تنها کسی که اراده پدر آسمانی را انجام دهد، وارد می‌شود. عیسی به اطراف نگاه کرد و به شاگردانش گفت که ورود ثروتمندان به پادشاهی خدا چقدر دشوار است.

بعضی‌ها فکر می‌کردند می‌توانند راه خود را به پادشاهی بخرند. بعضی‌ها فکر می‌کنند می‌توانند راه خود را به پادشاهی با پول به دست آورند. اما ما می‌دانیم که تنها راه ورود به پادشاهی، پذیرفتن مسیح پادشاه به عنوان حاکم خود و تسلیم شدن به اقتدار اوست.

گاهی اوقات، مردم عیسی را در گوشه‌ای به تصویر می‌کشند و، اوه، لطفاً عیسی را به عنوان پروردگار و ناجی خود بپذیرید. نه، عیسی خداوند است، و عیسی ناجی است، و او پادشاه است. سوال این است که آیا من قرار است تحت اقتدار او تسلیم شوم یا نه؟ و اگر این کار را بکنم، پس من بخشی از پادشاهی او هستم، و او پادشاه من است، و او پروردگار و ناجی من است.

در انجیل متی، متی از اصطلاح پادشاهی آسمان استفاده می‌کند، اما به یک چیز اشاره دارد. بنابراین، پادشاهی آسمان و پادشاهی خدا، پادشاهی‌هایی هستند که مرز ندارند و مکان‌هایی هستند که خدا پادشاه است و خدا پادشاه است. سوال این است که آیا ما قرار است تحت اقتدار او تسلیم شویم؟ هر کسی باید این تصمیم شخصی را بگیرد.

اما به یاد داشته باشید، یهوه پادشاه است، خدا پادشاه است. او آغازی ندارد، پایانی ندارد. پادشاهی او آغازی ندارد و پایانی هم ندارد.

من دکتر تیبریوس راتا هستم در تدریسش در مورد الهیات عهد عتیق. این جلسه ششم است، خدا به عنوان پادشاه.